

گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره‌ی صفویه‌ی اصفهان (بر اساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال)



مهدی حمزه‌نژاد*

استادیار معماری، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

ساناز رهروی پوده**

مریی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۶/۰۷

چکیده:

در همه‌ی ادیان، پرستش‌گاه‌ها، این بناهای معناگرا، نقش قابل توجهی داشته و با سایر بناها تفاوتی بنیادین و ماهوی دارند. هم‌نشینی آن‌ها در شهرهای گذشته ناگزیر، با توجه جدی به تمایزات هویتی صورت گرفته است. امروزه با گسترش روابط مجازی، توجه به تمایزات هویتی پرستش‌گاه‌ها اهمیت چشمگیری یافته است. پژوهش حاضر در پی گونه‌شناسی پرستش‌گاه‌های سه دین ابراهیمی در پایتخت ایران - اسلامی عصر صفوی است تا با توجه به مقایسه‌ی تطبیقی مفاهیم عرفانی آن‌ها، به معماران و طراحان معاصر پرستش‌گاه‌ها کمک کند. این تمایزات مفهومی حاکم را، در طراحی بناهای مذهبی و به‌ویژه مساجد مورد استفاده قرار دهند. پرسش این پژوهش آن است که تمایزات هویتی این عبادتگاه‌ها چیست و این تمایزات تا چه حد ریشه در میانی عرفانی متفاوت آن‌ها دارد؟ فرضیه‌ی این پژوهش آن است که تفاوت در صفات قدسی پایه، مورد تأکید در هر دین باعث تفاوت کالبدی پرستشگاه‌ها گشته است. این صفات قدسی پایه، سبب تفاوت جدی در شخصیت محتوایی ادیان مورد بررسی است و در بسیاری از مظاهر این ادیان قابل مشاهده است. این مقاله با استفاده از دو مفهوم قدسی (شبهت‌نمایی، زیبایی‌خواهی) و سهم هر دین از هر دو مفهوم، مصادیق ساخته شده در اصفهان را در دودسته‌ی «شبهت‌گرا و جمال‌طلب»، «شبهت‌گریز و جلال‌طلب» گونه‌شناسی نموده؛ سپس به بررسی ویژگی کالبدی پرستشگاه‌ها، در ارتباط با هر کدام از این مفاهیم پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش مقایسه‌ی تطبیقی و تاریخ‌پژوهی و مصداق‌پژوهی همراه با استدلال منطقی و بررسی‌های مشاهده‌ای و اسنادی انجام شده است. نتایج، بیانگر آن است که کلیساها در گونه (تشبیهی-جمالی)، با ویژگی‌های دلالتگری نشانه و نمادپردازی، طبیعت‌گرایی چشمگیر، دارای تناسبات بزرگ‌مقیاس، دعوت‌کنندگی، تزئینات فاخر، تنوع فضایی و سلسله‌مراتب حرکتی تقسیم‌شده و نمونه‌ی آن (کلیسای وانک) است؛ در مقابل، کنیساها دارای خصلت (تنزیهی-جلالی)، با دلالتگری حداقلی آیه‌ای، ارتباط کم با طبیعت، تناسبات انسانی، فاقد تزئینات فاخر، حداقل تنوع فضایی بوده و نمود آن، کنیسای موشه‌حیا و کنیسای ملا نیسان است. از این حیث مساجد در حالت بینابین قرار گرفته و دارای خصلت (تشبیهی-جمالی و تنزیهی-جلالی) هستند و نمود آن (مسجد جامع عباسی) است. اقلیت بودن این دو دین در اصفهان سبب حساسیت مضاعف بر روی میانی و تأکید بر تمایز هویتشان شده است و از این رو می‌توان این تقابل را معنا نمود.

واژه های کلیدی: کنیسا، کلیسا، مسجد، تنزیه و تشبیه، جمال و جلال.

۱. مقدمه

ویژگی‌های مفهومی معماری اسلامی ایران و تفکرات و اعتقادات مذهبی برگرفته از قرآن و اعتقادات عمیق معنوی در رابطه با هنر و عرفان اسلامی در معماری پرستشگاه‌ها در ادیان ابراهیمی انعکاس یافته است. در معماری، پرستشگاه‌ها به عنوان خاستگاه این مفاهیم واقع شده و در انتقال این مفاهیم و صفات به مخاطب، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در گذشته علی‌رغم قربت فیزیکی عبادتگاه‌های ادیان در یک شهر، تمایزات هویتی پررنگی بر آن‌ها حاکم بوده است؛ این مسئله حتی در ادیان ابراهیمی با قربت‌های محتوایی هم قابل درک بوده و این خود اهمیت ویژه‌ی طراحی معبد و رابطه‌ی نزدیک آن با ابعاد فلسفی و عرفانی ادیان را نشان می‌دهد. امروزه آشفتگی و یا فقدان یک سنت جامع معمارانه، سبب گم‌گشتگی مرزهای هویتی و معنایی شده است. در این بین، پرستشگاه‌ها ابراهیمی ساخته شده در اصفهان (یهودی، مسیحی و اسلام) نسبت به مبدأ خود دچار دگرگونی شده؛ به طوری که تجلی برخی از این مفاهیم، نمودهای متفاوتی یافته و پرستشگاه‌ها و کالبد آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش بر آن است تا با شناخت و درک مفاهیم و صفات قدسی (حد شباهت‌نمایی و حد زیبایی‌خواهی)، تفاوت‌های معنایی و کالبدی و نحوه‌ی تجلی آن‌ها را در پرستشگاه‌های ادیان ابراهیمی مورد بررسی قرار دهد و در نهایت به گونه‌شناسی آن‌ها بپردازد. درک چنین محتوایی به طراحان معاصر کمک خواهد کرد. در ارائه‌ی طرح‌های خود، به صورت هوشمندانه، مرزهای هویتی را پاس داشته و آن‌ها را به صورت مفهومی به کار گیرند. این مقاله بر آن است تا بتواند به سؤال زیر پاسخ دهد:

۵ پرستشگاه‌های اصلی کلیمیان، مسیحیان و مسلمانان اصفهان در عهد صفوی چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد و این تفاوت‌ها را چگونه می‌توان با استفاده از مبانی قدسی آن‌ها معنا نمود؟

در این تحقیق معیارهایی که به عنوان مؤلفه‌هایی برای بررسی میزان شباهت‌نمایی مدنظر قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۱. به کارگیری نماد، نشانه و آیه ۲. طبیعت‌گرایی ۳. مقیاس و تناسبات. همچنین عواملی که به عنوان شاخصه‌های سنجش زیبایی‌خواهی در پرستشگاه‌ها شناخته شده‌اند؛ عبارتند از:

۱. حد زیبایی ورودی و فضای خارج در دعوت‌کنندگی نمازگزار

۲. زیبایی چیدمان فضای درون در پذیرش نمازگزار ۳. استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین ۴. سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها. بدین صورت در طول این تحقیق با بررسی معیارهای مطرح‌شده، به دسته‌بندی کنیسا، کلیسا، مسجد اصلی و مرکزی در شهر اصفهان، پرداخته شده است. این گونه‌شناسی می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و دانشگاہیان در حوزه‌ی ادیان تطبیقی و یا هنر قدسی و یا حتی سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری‌های میان ادیانی و از همه مهم‌تر تصمیم‌سازی‌های هوشمندانه‌تر و دقیق در زمینه مسجد و توجه به تمایزات آن با معابد دیگر ادیان قرار گیرد... بررسی معیارها با استفاده از روش مقایسه‌ی تطبیقی در کنیساها، مساجد و کلیساها دوره‌ی صفویه در شهر اصفهان صورت گرفته و از طریق روش استدلالی-تحلیلی، نتایج به دست آمده است.

۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

با وجود اینکه تحقیقاتی در مورد عبادتگاه‌های ادیان مختلف خصوصاً مسلمانان در ایران انجام شده است؛ هنوز نواقص و کم‌وکاستی‌های فراوانی در راه معرفی این اماکن خصوصاً در ادیان دیگر (یهودیان و مسیحیان) وجود دارد. در زمینه‌ی شناسایی مصادیق و نمونه‌های پژوهش، عناوین مکتوب برای کنیسا «معماری کنیساها اصفهان» و «کنیسا: عبادتگاه کلیمیان: جستجوی وحدت در کثرت، تألیف رافائل صدیق پور (۱۳۸۲)»، کتاب‌های مربوط به کلیسا با عناوین «کلیساها ارامنه جلفای نواصفهان، آرمن حق نظریان (۱۳۸۵)» و «معماری کلیسا، تألیف محمدرضا پورجعفر (۱۳۸۸)» و در حوزه‌ی معماری اسلامی و توجه به مساجد، می‌توان به مطالعات اولگ گرابار (۱۳۷۸) با عنوان «معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی» هیلن براند (۱۳۷۹) می‌توان اشاره کرد. در حیطه‌ی مبانی هنرهای مسیحی می‌توان به نوشته‌های تیتوس بورکهارت (۱۳۹۰)، رنه گنون (۱۳۸۲)، سید حسین نصر (۱۳۷۳-۱۳۸۰)، نادر اردلان (۱۳۳۸) و عبدالحمید نقره‌کار (۱۳۸۸) اشاره کرد. در زمینه‌ی تحلیل بر اساس معیارهای مفهومی، مهم‌ترین مطالعه پیشین را می‌توان پژوهش‌های حکمت‌الله ملاصلاحي (۱۳۷۷) دانست. وی با رویکرد باستان‌شناسی معناگرا، در چند مقاله و کتاب، تلاش کرده دو گونه هنر جمالی و جلالی را به نمونه‌هایی از مصادیق تشریح کند. از مهم‌ترین آثار وی در این



منطقی^۲، نمونه‌ای از معیارهای کالبدی در چهارچوب مفاهیم قدسی جهت الگوشناسی پرستشگاه‌ها، در نظر گرفته شده و با بهره‌گیری از روش پژوهش موردی^۳، مطالعه‌ی مصداق‌ها بر اساس آن‌ها تکمیل گشت. در این پژوهش، بررسی معیارهای مطرح‌شده، با استفاده از روش مقایسه‌ی تطبیقی در پرستشگاه‌ها صورت گرفته و نتیجه‌هایی در این زمینه حاصل شده است. نویسندگان این پژوهش به دنبال تبیین یک نظریه‌ی هنجاری^۴ در معماری قدسی^۵ پرستشگاه‌های ابراهیمی هستند و قصد دارند مظاهر آن را در تاریخ معماری گذشته نشان دهند. بررسی معیارها با استفاده از روش تطبیقی در پرستشگاه‌ها صورت گرفته و از طریق روش استدلالی-تحلیلی نتایج حاصل شده است. همچنین نظریه‌ی هنجاری معماری پرستشگاه‌ها بر آن است تا با استفاده از منابع اسلامی، صحت خود را از طریق استدلال منطقی به اثبات رساند و به گونه‌شناسی معنایی انواع پرستشگاه‌های ابراهیمی دست یابد.

۲. مبانی دینی یهودیت، اسلام و مسیحیت

ادیان ابراهیمی از حیث قدمت و مراتب ظهور به سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام اطلاق می‌شوند که از سنت باستانی ابراهیم الهام می‌گیرند. از بررسی تطبیقی مبانی سه دین به‌خوبی برمی‌آید که تصویر و صفات خدای ادیان باهم فرق دارند. خدای یهودیان سختگیر و دینشان عبوس‌تر است تا خدا و دیانت مسیحیان که سرشار از عواطف پدرانه است. از پیامبر اسلام آورده‌اند که فرمود: «انا ذوالعینین: من دو چشم دارم»؛ یعنی مکتب من هم واجد ویژگی‌های دین موسی است و هم واجد ویژگی‌های دین عیسی (سروش ۱۳۷۷، ۷). امام خمینی از زبان عرفای بزرگ همین حدیث را نقل نموده و تلاش در تبیین همین تمایز معنایی بین سه دین می‌نمودند. برخی از مهم‌ترین این تفاوت‌های ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در جدول ۱ ذکر شده است:

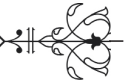
زمینه «صور جلالی در معماری اسلامی ایران» و «مقوله‌ی جمال و جلال در هنرهای تجسمی ۱ و ۲» اشاره کرد. همچنین مهدی حمزه‌نژاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ی «گونه‌شناسی مزارهای اسلامی در ایران، بر اساس مفاهیم قدسی، تشبیه، تنزیه، جمال و جلال»، به دنبال بررسی مفاهیم قدسی ذکر شده در مزارهای اسلامی در ایران بوده است. دو تحلیل اخیر، هم از بعد شاخصه‌های معنایی و هم از بعد بررسی تطبیقی و گونه‌شناسی اهمیت بالایی دارند و به‌نوعی می‌توانند زمینه‌های مستقیم و قوی این تحقیق تلقی گردند. همچنین در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی معماری محور در مسجد و کلیسا» به نحوه‌ی برخورد مسلمانان و مسیحیان در نیایشگاه‌هایشان با مقوله‌ی محورگرایی و تأثیر عوامل گوناگون غالب دوران بر این موضوع است؛ در این پژوهش دلایل وجودی شکل‌گیری محور و کالبد کلی کلیسا و مسجد مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در مقاله‌ی «مبانی اسمایی در تحول خصلت‌ها در سیر تحول کلیساها» به بررسی معنایی در کلیساها پرداخته شده است. ملاصالحی در تبیین شاخصه‌ها و تشریح مبانی نظری کار ارزشمندی ارائه نموده است و حمزه‌نژاد در گونه‌ی خاصی از بناهای مذهبی اسلامی یعنی زیارتگاه‌ها گونه‌شناسی مشابهی با همین محتوا ارائه نموده است.

در پژوهش حاضر با توجه به مفاهیم قدسی ذکر شده در پرستشگاه‌های ادیان الهی (یهود، اسلام و مسیحیت)، ساخته شده در دوره‌ی صفویه در اصفهان، نوعی مراجعه به مبانی برگرفته از هنر و معماری ایرانی-اسلامی و مطالعات معناگرایانه در هریک از ادیان ابراهیمی، مورد توجه قرار گرفته است که در نهایت، می‌تواند مورد استفاده برای دانشجویان و اساتید معماری در جهت طراحی این بناها و به‌کارگیری این مبانی در جهت حفظ و احیای مفاهیمی هویتی عبادتگاه‌های ادیان مختلف قرار گیرد.

۱-۲. روش تحقیق

از آنجاکه این تحقیق تلاشی برای معناکاوی در معابد است؛ با بهره‌گیری از تحقیقات انجام‌شده، ابتدا چهارچوب نظری و مبانی پژوهش با تعیین مفاهیم قدسی پایه، مدنظر قرار گرفته و سپس اطلاعات نظری بر اساس پژوهش‌های قبلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و با استفاده از روش استدلالی-





جدول ۱. مقایسه‌ی ادیان توحیدی (مأخذ: حسین توفیقی؛ برداشت و تنظیم جدول: نگارندگان) ۵

انواع معیارها	موسی	عیسی	محمد
معجزه‌ی پیامبران	اژدها شدن عصای موسی(ع)	پرنده را جان می‌بخشد.	قرآن بر ایشان نازل می‌شود.
نوع تربیت و پرورش	پرورش یافته نزد فرعون	بزرگ شده نزد (حضرت مریم)	بزرگ شده نزد خانواده‌ی پدری و دایه ایشان
مفهوم دین	دین قدرت خدا	دین محبت خدا (خدا عاشق و انسان معشوق)	دین رحمت خدا
اسم خاص خداوند	اسم خداوند در یهود (یهوه)	خداوند اسم به خصوصی ندارد	اسم خداوند در اسلام الله
تبلیغ دین در اقشار جامعه	تبلیغ ندارد و یک دین قومی است	تبلیغ مسیحی (تبشیر)	تبلیغ اسلامی (دعوت)
نوع دعوت پیامبران	دعوت فقط برای قوم خودشان	مسیح به حواریون دستور داده همه‌ی امت‌ها را شاگرد خود سازند.	پیامبر رسالت و دعوت جهانی داشته‌اند (اعراف: ۱۵۸)
نوع اعتقاد به توحید	توحید به یگانگی خدا	توحید همراه با تثلیث	توحید به یگانگی خدا
معنای وحی در ادیان	وحی چهار قرن قبل از میلاد منقطع شده است.	وحی به معنای ظهور خدا برای انسان‌ها به منظور نجات آنان	وحی در اسلام بر هدایت الهی دلالت دارد.
الهی بودن کتب مقدس	بخش‌هایی از تورات کنونی، پیام مستقیم خداست.	مقدمه انجیل لوقا، درباره زندگی و سخنان مسیح(ع)، به افراد مختلف جامعه مراجعه کرده	قرآن کریم پیام مستقیم خدا است.
وجود روحانی یا عالم	روحانیون در این دین لاویان (از قبیله‌ی حضرت موسی و هارون)، خاخام، کاهن روحانی است.	کشیش، اسقف	اسلام روحانی ندارد؛ مؤمن مستقیماً با خدا تماس دارد. اسلام عالم دارد.
فرادی یا جمعی خواندن نماز	نمازهایی دارند که فقط در پرستشگاه است؛ نمازهایی دارند که در هر جا می‌توان خواند	فقط در پرستشگاه نماز بر پا می‌شود.	نماز می‌تواند فرادی باشد و می‌تواند در پرستشگاه انجام نشود.
اعتقاد به موعود و نشانه‌های آن	موعود قرار است متولد شود و از خاندان داوود، متولد شهر بیت الحم، احتمالاً نامش داوود است	موعود تولد یافته و غایب است و ظهور می‌کند. دوازده حواری دارد، بر دوازده سبط بنی اسرائیل حکومت خواهد کرد.	موعود تولد یافته و غایب است و ظهور می‌کند. نام و کنیه‌اش برابر حضرت رسول، یارانش ۳۱۳، محل قیامتشان کنار کعبه، محل حکومتشان کوفه



۳. مبانی و معیارهای پژوهش

۳-۱. مفهوم شباهت‌نمایی و سطح بهره‌مندی ادیان

از آن و نحوه‌ی تجلی آن در پرستشگاه‌ها

تشبیه و در مقابل آن تنزیه از مسائل کلامی است که هر یک نمایانگر اندیشه‌ای از فرقه‌های گوناگون اسلامی و مذاهب غیراسلامی است. «تشبیه در لغت دلالت بر مشارکت امری با دیگری در معنی می‌باشد» (جرجانی ۱۳۷۷، ۵۲)؛ درجایی دیگر آمده است که تشبیه «یکسان و همانند دانستن مخلوق با خالق و نسبت دادن صفات بشری به خداست و آنان که این اندیشه را پذیرفته‌اند؛ به مشبیه شهرت یافته‌اند» (اردستانی ۱۳۸۸، ۱۳). درواقع، اگر تصور ما از ذات صفات و افعال خداوند همچون انسان باشد، معتقد به تشبیه شده‌ایم. بغدادی در کتاب «الفرق بین الفرق» تشبیه را به دو صورت معرفی می‌کند: در گونه‌ی اول ذات باری‌تعالی را به ذات غیر وی تشبیه می‌کنند و در گونه‌ی دوم، صفات او را به صفات غیر او مانند می‌سازند. این گروه به آیات و احادیثی استناد می‌کنند که به عقیده‌ی ایشان می‌توان جسم بودن خداوند را در آن‌ها دید؛ مانند «خَلَقَ آدَمَ عَلٰی صُوْرَةِ الرَّحْمٰنِ» (مولوی ۱۳۸۴، ۲۴۱) و یا «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ اصْبَعَيْنِ مِّنْ اصْبَعِ الرَّحْمٰنِ» (شهرستانی ۱۳۸۱، ۱۱۸). «در مقابل اهل تشبیه اهل تنزیه قرار گرفته‌اند که آنان را مطلع نیز گویند» (اشعری ۱۳۸۱، ۳۳). «التنزیه: عِبَارَةٌ عَنِ تَبْعِيْدِ الرَّبِّ عَنِ اَوْصَافِ الْبَشَرِ».

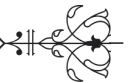
تنزیه عبارت است از دورنگه داشتن پروردگار از اوصاف انسانی» (جرجانی ۱۳۷۷، ۶۰). تنزیه (شباهت‌زدایی)، پرهیز از مادی‌سازی است و نوعی پالایش معرفتی و خلوص را به همراه دارد. «وجه تنزیه‌ی حالتی رازآمیز و نمادین را بیان می‌کند. درعین‌حال باید توجه داشت از وجه تنزیه، هیچ‌چیز واقعاً زیبا نیست؛ زیرا خداوند به‌تنهایی جمال است. از وجه تشبیه، هر زیبایی واقعاً زیبا است، زیرا از آن خداوند است» (شوان ۱۳۶۶، ۲۸).

مفاهیم تشبیه و تنزیه در کنیساها، مساجد و کلیساها به روش‌های مختلف متجلی می‌گردند و هر یک، سعی در به نمایش گذاشتن حس حقیقت‌جویی خویش دارند. تشبیه در اماکن مذهبی به معنای استفاده از نمودهایی است که درک خداوند را برای انسان آسان‌تر می‌کند و موجب ایجاد رابطه‌ای صمیمانه‌تر با وی می‌گردد (حمزه‌نژاد ۱۳۹۰، ۵۴). در بناهای تشبیه‌ی، از عناصری استفاده شده که موجب به حداکثر رسیدن میزان تشبیه شده و صفاتی را متجلی ساخته است که درک حقیقت را تا منزله درک انسان‌ها ساده و آسان می‌کند. در مقابل آن، بناهای مذهبی تنزیه‌ی، به دنبال عاری نمودن ویژگی‌های جسمانی از ذات حق است و سعی در به حداقل رساندن نمودهای کالبدی و توصیف ذات پروردگار با استفاده از این نمودها دارد در پرستشگاه‌های (تشبیه‌ی - تنزیه‌ی) معیارهای برگرفته شده از هر دو صفت قدسی می‌باشند (جدول ۲).

جدول ۲. ویژگی‌های صفات قدسی تشبیه (شباهت‌نمایی)، تنزیه (شباهت‌زدایی) و (شباهت‌نمایی - شباهت‌زدایی) (منبع: حمزه‌نژاد ۱۳۹۰؛ برداشت و تنظیم جدول: نگارندگان)

صفات قدسی	نوع دلالت	محتوی	نمود کالبدی	هدف	مثال
تشبیه (شباهت‌نمایی)	نشانه	اشاره صورت به صورت	استفاده از نور، تزئینات، فضایی خیال‌انگیز و مملو از زیبایی‌های معقول	هویتی و مدلول از نوع حس	ساختار عالم و الگوهای پیشین، مثل گنبد و مناره
شباهت‌نمایی - شباهت‌زدایی	نماد	اشاره صورت به مفهوم	زیبایی‌های بصری و تلفیق، اشکال الگویی و سمبلیک	معرفتی و مدلول آن عقل	وحدت در کثرت در گنبد، تعالی و عروج در مناره
تنزیه (شباهت‌زدایی)	آیه	عاری از اشاره به صورت	حداقل استفاده از عناصر کالبدی، سادگی و غنا	حقیقت و مدلول آن شهودی	بیابان، سادگی، حداقل‌گرایی،





۲-۳. مفهوم زیبایی‌خواهی و سطح توجه هر دین به آن و نحوه‌ی تجلی آن در کنیساها، مساجد و کلیساها در تعریف زیبایی و یا جمال می‌توان گفت: «جمال به معنی خوب‌صورت و نیکوسیرت، خوبی و خوب شدن است و به رضا و لطف تعلق دارد» (همان، ۵۰). علامه جعفری در توصیف جمال می‌گوید: «جمال و زیبایی، وسیله‌ای است برای وصول به کمال، مشروط بر آنکه معنای جمال را دریابیم و اجازه ندهیم تا زیبایی ما را از درک حقیقت بازدارد» (جعفری ۱۳۸۶، ۹۲). در مقابل «اوصاف قهر الوهیت را، صفات جلال گویند؛ گفته‌اند جلال عبارت از ظاهر کردن بزرگی معشوق است از جهت استغنا از عاشق و نفی غرور عاشق و اثبات بیچارگی او» (سجادی ۱۳۷۹، ۱۸۷). ظهور ربوبیت الهی برای هر انسان در قالب دوگانه‌هایی است که از این دو صفت ناشی می‌شود. به‌طور مثال پدر مظهر جلال است و مادر مظهر جمال، شب مظهر جلال است (لاهیجی ۱۳۸۰، ۷۵۷)؛ اما باید توجه داشت که این دو صفت باهم در تضاد نیستند و اگر تضادی نیز به نظر آید؛ تضاد در ظاهر است نه در باطن؛ زیرا در باطن هر جمالی، جلالی خفته و در پس هر جلالی، جمالی پنهان است. یکی از مهم‌ترین آیه‌های قرآن که به‌روشنی دودسته صفات جمال و جلال را بیان نموده در آیات «کل من علیها فان و یبقی ربک ذوالجلالوالاکرام»^۲ (الرحمن: ۲۶ و ۲۷). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «در معنای کلمه‌ی جلال چیزی از معنای اعتلا و اظهار رفعت خوابیده؛ البته رفعت و اعتلای معنوی در نتیجه جلال با صفاتی که در آن بویی از دفع و منف هست سروکار تناسب دارد؛ مانند صفت علو و تعالی، عظمت، کبریا، احاطه، عزت و غلبه». در این سوره، بهشت و جهنم که نعمت و عذاب الهی است به‌عنوان مظاهر جمال و جلال و مهر و قهر الهی معرفی گردیده است؛ همان‌طوری که عذاب دوزخ هماهنگی جمال و جلال را به همراه دارد؛ عذاب استیصال و تدمیر دنیا نیز پیام هماهنگی قهر و مهر و هماوردی نعمت و نعمت را در پی دارد. برای کلمه‌ی اکرام از میانه صفات، آن صفاتی باقی می‌ماند که بویی از بها و حسن می‌دهد. بها و حسنی که دیگران را مجذوب می‌کند؛ مانند صفات علم، قدرت،

حیات، رحمت، جود، جمال و حسن و از این قبیل صفات که مجموع آن‌ها را صفات جمال می‌گویند؛ همچنان که دسته‌ی اول را صفات جلال می‌نامند و اسما خدایی را با این دو قسمت تقسیم نموده؛ هر یک از آن‌ها که بویی از حسن و جذابیت دارد صفات جمال می‌نامند. بنابراین کلمه ذوالجلالوالاکرام نامی از اسما حسنی خدا است که به مفهوم خود تمامی اسما جلال و اسما جمال خدا را دربرمی‌گیرد (طباطبایی ۱۳۶۳، ۲۰۲-۲۰۱).

متفکران مسلمان سنتی اسما الله را در دودسته اسما الجمال و اسما الجلال دسته‌بندی کرده‌اند. اسما الجلال آن دسته از اسما می‌شوند هستند که به مغفرت و رحمت خداوند مربوط هستند. از جمله «الرحمن» که نام ذات الهی در خود قرآن است. همچنین الکریم و الغفور و نظایر آن، بازگوکننده‌ی لطف و رحمت خداوندند. در مقابل این اسما، آن نام‌هایی که به عدل، داوری و قدرت خداوند مربوطند؛ مانند العادل و السریع الحساب، به جلال و جبروت خداوند اشاره دارند و از اسما جلال‌اند (نصر ۱۳۸۴،

۴۹-۵۰). «هنر الهی تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت، در نظم و توازن انعکاس می‌یابد و جمال بالنفسه حاوی همه این جهات است» (بورکهارت ۱۳۸۶، ۶۷). «باوجود همه تفاوت‌های عمده در نحوه ظهور نگرش‌های بنیادین و انواع حیات دینی و معنوی در هر سنت، لزوماً سه عامل ترس، عشق و علم در هر دین حضور داشته است؛ هرچند که هر دین تأکید بیشتری بر یک عنصر ورزیده است: دین یهود بر ترس، دین مسیحیت بر عشق و دین اسلام بر علم» (نصر ۱۳۸۰، ۴۸۹) (جدول ۳).





جدول ۳. مهم ترین مظاهر صفات جمال (بهجت‌زا) و جلال (خشیت‌زا)
(مأخذ: بورکهارت ۱۳۸۶؛ نصر ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴؛ برداشت و تنظیم جدول: نگارندگان)

تجلی شده در اثر	تجلی کننده	صفات
تنعم و راحتی	آرامش / غنا / عزت / امید / شوق / شادی / جذابیت / دلپذیری / زیبایی	بهجت‌زایی (جمال)
راحتی در سختی	سلطنت	تعادل (جمال - جلال)
مشقت در سختی	فقر	خشیت‌زایی (جلال)
	غم / نگرانی / بیم / حرکت / فقر / ذلت / ناتوانی / قهر	

نمودن ویژگی‌های تشبیهی و به‌کارگیری تنزیه و به حداقل رساندن نمودها و مظاهر کالبدی، بیان‌کننده‌ی ویژگی‌های جلالی متناسب با صفات قهر، هیبت و غم است و این پرستشگاه‌ها در گروه پرستشگاه‌های تنزیهی - جلالی قرار خواهند گرفت.

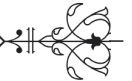
در پژوهش حاضر، جهت گونه‌شناسی و دسته‌بندی پرستشگاه‌ها در ادیان توحیدی (یهودیت، اسلام و مسیحیت) از طریق بررسی مفاهیم قدسی که مبنای پژوهش است؛ به شناخت مظاهر آن‌ها پرداخته و سپس با توجه به چگونگی تجلی این مظاهر در کالبد، مؤلفه‌هایی معرفی شده و در پرستشگاه این ادیان مورد تحلیل قرار گرفته است (جدول ۴).

تفاوت‌های بنیادینی میان مؤلفه‌های تشبیهی و تنزیهی و مؤلفه‌های جمالی و جلالی وجود دارد. «مظاهر جمال، جنبه‌های تشبیهی و ملموس کمال را دارند و جنبه‌های جذاب کمال‌اند. در مقابل، مظاهر جلالی، عمدتاً خاصیت تنزیهی دارند و تنها جنبه‌ی دست‌نیافتنی بودن کمال را بیشتر منعکس می‌کنند» (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۱۱۷). به این ترتیب، می‌توان گفت که وحدت و تجلی جمال و جلال خداوندی و به‌کارگیری تشبیه و تنزیه در تاروپود کالبدی فیزیکی، به طرق گوناگون در پرستشگاه‌های ادیان گوناگون صورت می‌گیرد. در این میان، نمودهایی که بیشتر مظهر کالبدی و تشبیهی دارند؛ بیان‌کننده‌ی ویژگی‌های جمالی متناسب با صفات دعوت‌گری و شادی است و این پرستشگاه‌ها جزء پرستشگاه‌های تشبیهی به حساب می‌آیند. در مقابل، عاری

جدول ۴. مؤلفه‌های کالبدی موجود در پرستشگاه‌ها (کنیسا، مسجد و کلیسا) و الگوشناسی آن‌ها بر اساس مبنای پژوهش
(مأخذ: نقره‌کار ۱۳۸۷؛ برداشت و تنظیم جدول: نگارندگان)

مبنای پژوهش	مظاهر تشبیه، تنزیه، جمال و جلال	مؤلفه‌های تشخیص گونه در پرستشگاه‌ها
شباهت خواهی	حداکثر تزئینات و نور، حداکثر تشخص و فاخریت، ارتباط با طبیعت، ارتفاع بلند، پیچیدگی و تنوع در کالبد	۱. دلالتگری از طریق نماد، نشانه و آیه ۲. طبیعت‌گرایی ۳. مقیاس و تناسب
شباهت‌گریزی	حداقل تشخص و شبیه‌سازی و فاخریت، حداقل رابطه با طبیعت، سادگی و خلوص، ارتفاع کوتاه	
زیبایی خواهی	حداکثر تزئینات، دعوت‌گری، شادی‌انگیزی، استفاده از رنگ‌ها و علائم خاص، تجملی، مخاطب محور، درگاه رفیع، شکوه جذاب، مهربانی، هم‌نشینی با مخاطب	۱. نقش ورودی و فضای خارج در دعوت‌کنندگی ۲. نقش چیدمان فضای درون در پذیرش نمازگزار ۳. استفاده از مصالح فاخر و پر تزئین
زیبایی‌گریزی	حداقل تزئینات، سادگی، فقر، غم معنوی، مهیب، تزئین کم، مردم‌واری، خودبسندگی، فنا، قهر	۴. سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در شکل‌گیری فضای پرستشگاه





۴. تحلیل مصداقی پرستشگاه‌ها بر اساس میزان

شباهت‌گرایی در هر دین

۴-۱. دلالت‌گری تشبیهی از طریق نماد، نشانه و آیه

پرستشگاه‌ها علاوه بر آنکه دارای ویژگی‌های عملکردی و سازه‌ای هستند؛ معانی و مفاهیم در آن‌ها به شیوه‌های متعددی جلوه‌گر می‌شود. یکی از این شیوه‌ها به کارگیری نماد، نشانه و آیه می‌باشد. نماد در لغت به معنای نمود و نماینده و ظاهرکننده می‌باشد (دهخدا ۱۳۷۸). نماد ما به ازای چیزی است غیر از خودش (الیاده ۱۳۹۳، ۷۳). «حقایق متعالی که قابل انتقال و القا به هیچ طریق دیگری نیستند؛ هنگامی که با نمادها درمی‌آمیزند؛ تا اندازه‌ای انتقال‌پذیر می‌گردند» (گونون^{۱۸}، ۲۰۰۱، ۵۵). نماد دارای بعد معرفت‌بخشی بوده و بیشتر به سرچشمه‌ی معنایی و معنوی توجه دارد؛ به همین خاطر در نمادگرایی عناصر کالبدی و تزئینی به‌وفور جهت اشاره به محتوا و مفهوم به کار گرفته می‌شوند (حمزه‌نژاد و همکاران ۱۳۹۳، ۸۴). در طراحی پرستشگاه‌ها نمادهای گیاهی، خنایی‌ها، اسلیمی‌ها، نماد عالم ملکوت می‌باشد. نقوش گچ‌بری‌ها، آجرکاری‌ها و کاشی‌کاری‌ها بر مبنای معانی نمادین هر یک از آن‌ها و معیارهای زیبانشاخصی مردمان انتخاب می‌شوند. این نقوش بارنگ‌های ملایم و تضادهای دل‌نشین در هم می‌آمیزند و چشم را از کثرت می‌گذرانند تا به وحدت نائل آید. رنگ نیز می‌تواند نمادی از طبیعت باشد. رنگ آبی نمادی از جاودانگی است (اینانلو ۱۳۸۰، ۴۶).

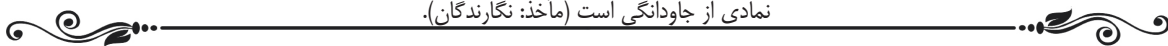
نشانه‌ها برای اشاره صورت به‌صورت مورد استفاده قرار می‌گیرند و «بیشتر به جنبه‌های صوری و کالبدی معماری می‌پردازند و در برخی موارد، به اشارات کوتاهی درباره مفهوم و محتوا بسنده می‌کنند» (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۹۵). نشانه‌ها دارای بعد هویت‌بخشی‌اند؛ به همین دلیل، بیشتر عناصر کالبدی را به خدمت می‌گیرند تا از طریق آن‌ها بتوانند میان عناصر موجود،

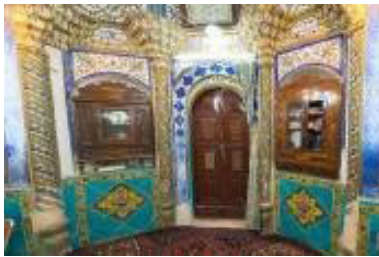
تمایزی قابل درک جهت عموم مخاطبان ایجاد کنند. از آنجاکه پرستشگاه‌ها مورد توجه قشری خاص از ادیان مرتبط با خود است؛ نیاز به استفاده از نشانه‌هایی دارد که درک آن نشانه‌ها از طریق حسی صورت گیرد و نیاز به برداشت محتوا ندارند؛ مانند محراب، گنبد و مناره که بعضاً از نشانه‌های پرستشگاه‌ها هستند. بیان آیه‌ای، گونه‌ای از بیان مفاهیم با بهره‌گیری از عناصر کالبدی و بیشترین میزان سادگی است تا از طریق آن بیان کند که هیچ چیز قادر به نشان دادن اصل حقیقت و یا تشبیه آن نیست. از این نوع آیه‌پردازی می‌توان با عنوان «غنا در عین فقر» یا «حجاب‌زدایی از صورت برای نزدیک شدن به بی‌صورتی» یاد کرد (حمزه‌نژاد ۱۳۹۱، ۱۱۷). آیه دارای بعد حقیقت‌بخشی است و این حقیقت توسط درک شهودی حاصل می‌گردد و با ابزاری همچون خلوص، سادگی و حداقل‌گرایی عینیت می‌یابد.

در پرستشگاه‌های تشبیهی، نمادگرایی و نشانه‌پردازی به نهایت خود می‌رسد و به‌صورت‌های گوناگون جلوه‌گر می‌شود و موجب سیر از ظاهر به باطن و از شکل به معنا می‌گردد. این معانی می‌توانند به‌صورت کاشی‌کاری، کاربردی، مقرنس، تصویرسازی از داستان‌های کتاب‌های مقدس و موارد دیگری نمود یابد. این نمادها و نشانه‌ها سعی در آن دارند تا درک واقعیتی والا را برای انسان ساده کنند و حاکی از به‌کارگیری تشبیه و قابل‌درک ساختن معبود است. در پرستشگاه‌های تنزیهی، نمادگرایی با عناصر کالبدی و تزئینی به حداقل رسیده است. در ساخت پرستشگاه‌های تشبیهی، جمال و زیبایی را به‌صورت نماد و نشانه و در پرستشگاه‌های تنزیهی معماری مجرد بوده و از نمادپردازی به دور می‌باشد. در این میان پرستشگاه‌هایی هستند که از نمادها و نشانه‌ها در حدی متعادل بهره برده‌اند. این پرستشگاه‌ها علاوه بر صلابت و سنگینی در شخصیت درونی خود که حسی از تنزیه را در آن‌ها القا می‌کند؛ به سمت نمادپردازی نیز سوق دارند (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱. از راست به چپ: کنیسا موشه حیا، کلیسا وانک و مسجد جامع عباسی. تشبیه در کنیسا، با دلالت‌گری آیه‌ای و بهره‌گیری از غنا در عین فقر صورت گرفته است. وجود گنبد، مناره و برج ناقوس اشاره به دلالت‌گری نشانه‌ای برای دو پرستشگاه (کلیسا و مسجد) است؛ گنبد نمادی از کثرت به وحدت و عالم والا و آسمانی است. گنبد در واقع مظهر آسمان است و شمشه‌ی آن خورشید عالم‌تاب که این دو از مظاهر قدرت خداوندی است و رنگ آبی در گنبد مسجد نمادی از جاودانگی است (مأخذ: نگارندگان).





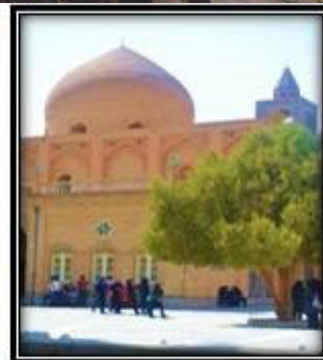
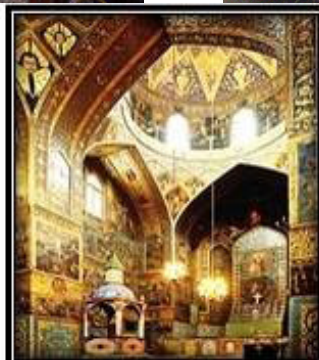
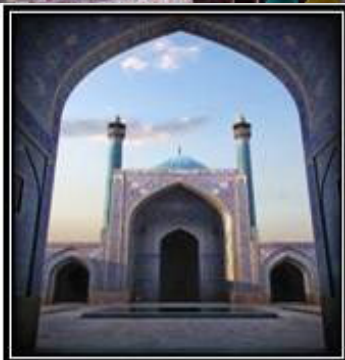
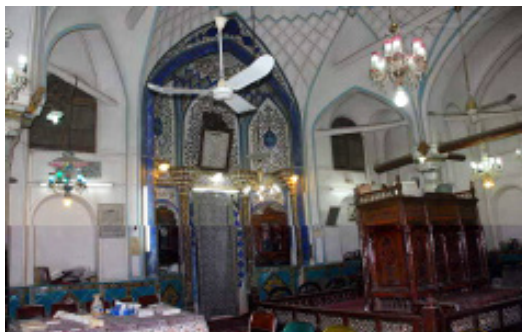
تصویر ۲. از راست به چپ: کنیسه‌ی موشه‌حیا و کنیسه‌ی ملانیسا (بالا)، کلیسه‌ی وانک و مسجد جامع عباسی (پایین). شباهت‌نمایی در محراب به‌عنوان نشانه‌ای برای پرستشگاه‌ها محسوب می‌شود. محراب‌ها را از جهت میزان این عامل می‌توان در طیف فوق مشاهده کرد. در کنیسا، با توجه به اینکه کنیسه‌ی ملانیسا نسبت به کنیسه‌ی موشه‌حیا تزئینات و تجمل بیشتری در محراب دارد؛ نسبت به آن جلالی‌تر است؛ اما در مقایسه با بقیه پرستشگاه این میزان کمتر مشاهده می‌شود. بیان به‌صورت آیه‌ای (غنا در عین فقر) و در مسجد و کلیسا به‌صورت نماد و نشانه است (مأخذ: نگارندگان).

در پرستشگاه‌های تشبیهی عناصر مصنوع در کنار عناصر طبیعی همچون گیاهان سبز قرار می‌گیرند؛ در این پرستشگاه‌ها ارتباط با طبیعت از هر نوع (خاک، آب، گیاهان) به حداقل می‌رسد. پرستشگاه‌های تنزیهی به دنبال عاری نمودن ویژگی‌های مادی از کالبد خویش‌اند و بعضاً فاقد حیاط می‌باشند (کنیسه‌ی موشه‌حیا)، در کنیسه‌ی ملانیسان که حیاط در آن وجود دارد؛ برخورد با گیاهان در آن دیده می‌شود؛ اما وجود حیاط مانند بقیه پرستشگاه‌ها همانند بقیه پرستشگاه‌ها نیست و فضای بسیار محدودی را به خود اختصاص داده است. در این پرستشگاه‌ها سعی به تصویر کشیدن صلابت و سادگی شده است. در پرستشگاه‌های تشبیهی- تنزیهی، رابطه با طبیعت (درخت) به حداقل رسیده و آنچه در این پرستشگاه‌ها به چشم می‌خورد؛ رابطه با آب و استفاده از عناصر مصنوع و نمادین همچون اسلیمی برقرار شده است (جدول ۵ و تصویر ۳).

۴-۲. طبیعت‌گرایی

«در گذشته، آیین نیایش و مراسم مذهبی، بیشتر در فضاهای باز صورت می‌گرفته است. فضاهای بازی که با عناصر طبیعی چون آب، گیاه و خاک همراه بوده و نیایش در چنین فضاهایی بر روحانیت و تقدس آن‌ها می‌افزوده است» (اینانو، ۱۳۸۰، ۴۱). طبیعت‌گرایی را می‌توان به دو قسم طبقه‌بندی کرد: ۱. عناصر طبیعی همچون: گیاهان، آب، باد و خاک ۲. عناصر مصنوع که نمادی از طبیعت هستند؛ همچون: نمادهای گیاهی- ختایی‌ها و اسلیمی‌ها. طبیعت‌گرایی در پرستشگاه‌ها را می‌توان از دو بعد تشبیهی و تنزیهی طبقه‌بندی کرد. طبیعت تشبیهی پرستشگاه‌ها، دارای جنبه‌هایی جذاب و دل‌انگیز همراه با زیبایی و صمیمیت رنگ‌های متنوع است؛ در مقابل، طبیعت تنزیهی دارای وجهه‌هایی ساده، باصلابت و کالبدی محقرانه است. بعد تشبیهی پرستشگاه‌ها مانند درختان، گیاهان و طبیعت سبز نشان‌دهنده‌ی حیات الهی است؛ در صورتی که بعد تنزیهی از خاک و آب، در آن بهره برده شده و وجود زنده‌ای همچون درخت و گیاهان در آن به حداقل ممکن رسیده است.





تصویر ۳. از سمت راست به چپ: کنیسه‌ی ملا نیسان (بالا) و کلیسای وانک و مسجد عباسی (پایین). استفاده از عناصر طبیعی سبز (درختان) و استفاده از اسلیمی‌ها و ختایی‌ها در گنبد و ازاره‌های کلیسا به صورت نمادین، بیانگر طبیعت تشبیهی است. در مسجد، استفاده از عناصر از (آب) و عناصر مصنوع و نمادین همچون اسلیمی بیانگر طبیعت‌گرایی تشبیهی-تزییمی است. کنیسه‌ی موشه‌حیا فاقد حیاط است و کنیسه‌ی ملا نیسان برخورد با طبیعت بسیار کم‌رنگ است و استفاده از اسلیمی‌ها و ختایی‌ها در این کنیسا فقط در محراب و در ازاره‌ها به میزان نسبتاً کمی به کار رفته است (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۵. بررسی ویژگی‌های طبیعت‌گرایی پرستشگاه‌ها (کنیسه، مسجد و کلیسا) (مأخذ: نگارندگان)

انواع طبیعت	ویژگی‌ها	مضامین طبیعی و مصنوع		پرستشگاه‌ها
تشبیهی	جذاب، شاد و دل‌انگیز	گیاهان و طبیعت سبز	وجود کاشی‌های اسلیمی	کلیسا وانک
تزییمی	ساده، باصلابت و کالبدی محقرانه	عدم نمودی از طبیعت		کنیسه‌ی موشه‌حیا
تشبیهی-تزییمی	صلابت، صمیمیت، سرزندگی	آب و خاک	وجود کاشی‌های اسلیمی	مسجد جامع عباسی

۳-۴. مقیاس و تناسبات

جهان‌بینی سنتی از همین تناظر میان مفاهیم کیهانی و انسانی است (بمانیان ۱۳۸۹، ۱۱). «سخن از تناسبات یعنی سخن گفتن از اندازه درست اشیایی که خلق می‌شوند» (فن‌میس ۱۳۹۰، ۶۵). از بین بعدها در فضا، ارتفاع بیشترین تأثیر را در مقیاس می‌گذارد؛ ارتفاع سقف، تعیین‌کننده‌ی

هنر و معماری سنتی مبتنی بر تناظر میان عالم و آدم است. در ذهن انسان سنتی، نسبت‌ها و مفاهیم انسانی چنان بسط می‌یابند که دامنه وسیع کیهان را در برمی‌گیرد و به‌نوعی این کیهان مفهومی انسانی پیدا می‌کند. اشتراک وسیع



ارتفاع پیش‌طاق‌ها در ورودی بنا و ارتفاع گنبد به ارمغان می‌آورند. همچنین در این پرستشگاه‌ها وجود گلدسته به ارتفاع بنا می‌افزاید. در پرستشگاه‌های تنزیه‌ی، سیستم تناسبات، انسان را اصل قرار می‌دهد و هدفش توجه به معبود و صفات جلالی اوست. در پرستشگاه‌های تشبیه‌ی - تنزیه‌ی، از هر دو الگو به صورت میانه استفاده شده و مقیاس‌ها حد واسطی از مقیاس الهی و انسانی است. شکوه این پرستشگاه‌ها (هم در ورودی و هم در تناسبات گنبد) در عین سادگی موجب افزایش دعوت‌کنندگی نیز می‌شود. در این ورودی‌ها ارتفاع و تناسبات الهی بیشتر شبیه به پرستشگاه‌های تشبیه‌ی و نزدیک به حالت ایستاده است؛ اما دارای خلوص و سادگی پرستشگاه‌های تنزیه‌ی هستند و ویژگی‌های قدسی جلالی را به مخاطب القا می‌کنند (تصویر ۴ و جدول ۶).

میزان دعوت‌کنندگی، کیفیت پناه دادن، زیبایی، شکوه یا صلابت و سادگی آن است (حمزه‌نژاد ۱۳۹۰). مقیاس عمومی و کلی در معماری، نسبت اندازه‌ی یک قسمت بنا به اندازه سایر فرم‌های پیرامونش بستگی دارد (چینگ ۱۳۸۵، ۳۲۶). چینگ مقیاس در معماری را به دو صورت عمومی و انسانی طبقه‌بندی می‌کند (چینگ ۱۳۸۵، ۳۲۶). در پرستشگاه‌ها، مقیاس به صورت الهی و انسانی است. در مقیاس الهی، تناسبات و اندازه‌ها خارج از ابعاد و اندازه بدن انسان، تعیین شده و در آن نسبت‌های نزدیک به حالت ایستاده است؛ در مقیاس انسانی، اندازه‌ها بر اساس ابعاد و اندازه بدن انسان تعیین شده و نسبت‌ها نزدیک به حالت نشسته است (حمزه‌نژاد ۱۳۹۳). در پرستشگاه‌ها مقیاس و تناسبات در دو سطح (ورودی و گنبد خانه) مورد توجه قرار می‌گیرند. پرستشگاه‌های تشبیه‌ی، شکوه و دعوت‌کنندگی را با استفاده از افزایش

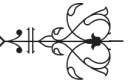


تصویر ۴. کنیسا موشه‌حیا، کلیسای وانک و مسجد عباسی، دید از ورودی و گنبد خانه، کنیسا خلوص و سادگی (تنزیه‌ی)، کلیسا صمیمیت (تشبیه‌ی - تنزیه‌ی) در حالت میانه قرار گرفته و مسجد دعوت‌کنندگی و شکوه (ارتفاع گنبد و سر در ورودی بسیار بیشتر از کلیسا است و تشخیص ویژه‌ای دارد) (تشبیه‌ی) (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۶. بررسی ویژگی‌های مقیاس و تناسبات در پرستشگاه‌ها (کنیسا، مسجد و کلیسا) (مأخذ: نگارندگان)

صفات قدسی در پرستشگاه‌ها	مقیاس	ویژگی‌ها	نمونه موردی
تشبیه‌ی - جمال	مقیاس الهی	زیبایی، شکوه، صمیمیت و دعوت‌کنندگی	مسجد جامع عباسی
تنزیه‌ی - جلال	مقیاس انسانی	خلوص و سادگی	کنیسا موشه حیا
تشبیه‌ی، جمالی - تنزیه‌ی، جلالی	مقیاس الهی و انسانی	صمیمیت و دعوت‌کنندگی	کلیسا وانک



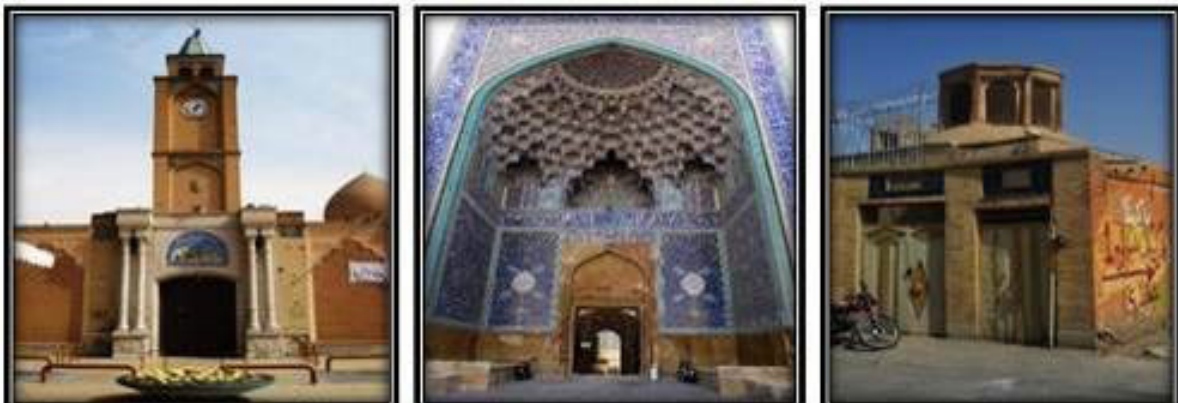


کاهش یافته و فاقد هرگونه تزئینات، جلوخان و عقب رفتگی هستند؛ این پرستشگاهها به گونه ای طراحی شده اند که هم شکل با بناهای ساخته شده در محیط اطراف هستند و تمایزی بین آنها با ساختمان های هم جوار وجود ندارد. در پرستشگاهها جمالی-جلالی ورودی در بینابین دو الگوی مذکور است به گونه ای که ورودی آنها فاقد تزئینات خاص بوده اما دارای سردری نسبتا مشخص و تعریف شده هست (تصویر ۵ و جدول ۷).

۵. تحلیل مصداقی پرستشگاهها بر اساس معیارهای جمال و جلال

۱-۵ نقش ورودی و فضای خارج در دعوت کنندگی نمازگزار

در پرستشگاههای جمالی استفاده از تزئینات و همچنین فرورفتگی و ارتفاع سردر و پیشخوان در دعوت کنندگی نمازگزار به سمت داخل نقش مؤثری داشته و بدنه ی خارجی آنها از محیط پیرامونی و هم جوارها متمایز شده اند. در پرستشگاههای جلالی ارتفاع ورودی به صورت چشم گیری



تصویر ۵. از سمت راست: کنیسای موشه حیا، مسجد عباسی و کلیسای وانک. کنیسا از الگوی جلالی، مسجد جمالی و کلیسا از ویژگی های مشترک دو الگوی دیگر پیروی کرده است و در تشخیص ورودی در حالت میانه قرار گرفته است (مأخذ: نگارندگان).

جدول ۷. بررسی نقش ورودی و فضای خارج در دعوت کنندگی نمازگزار (مأخذ: نگارندگان)

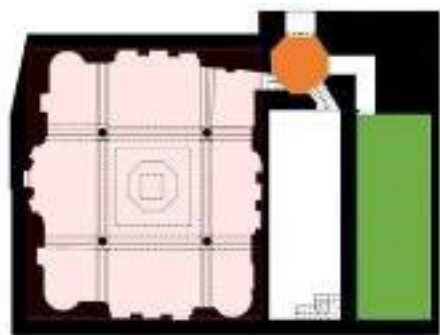
انواع	ویژگی برای دعوت کنندگی نمازگزار	پیوستگی با بافت اطراف	ارتباط ورودی با محراب	محل قرارگیری ورودی	مصداق
پرستشگاههای جمالی	از مصالح فاخر و تزئینات و همچنین فرورفتگی در سردر	شاخص نسبت به هم جوارها	در یک محور فرضی مستقیم	در ضلع شمالی	مسجد
پرستشگاههای جلالی	فاقد هرگونه تزئینات، جلوخان و عقب رفتگی	هماهنگ با بافت اطراف	در یک محور فرضی L شکل	وسط ضلع شرقی	کنیسا
پرستشگاههای جمالی-جلالی	فاقد تزئینات، سردری نسبتا مشخص و تعریف شده	هماهنگ با بافت اطراف و دارای تشخیص	در یک محور فرضی شکسته و در راستای محراب نیست	در ضلع غرب	کلیسا



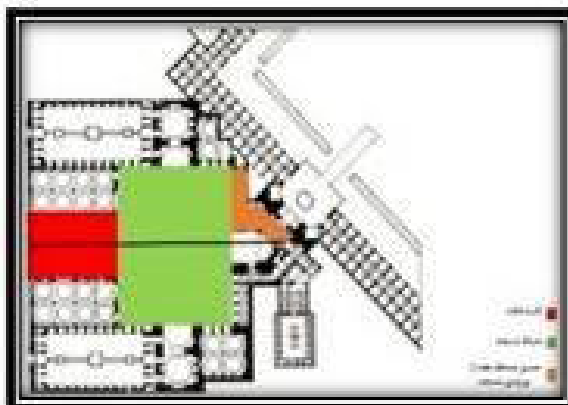
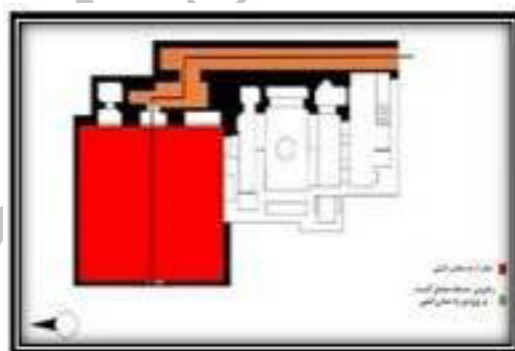
سرپوشیده و راهرویی طولانی میسر خواهد شد و هندسه‌ی فضا، تحت تأثیر محراب شکل گرفته است؛ این روند حرکتی در کنیسه‌ی ملا نیسان به جای دالانی طولانی، با یک هشتی انجام شده است. عبادت در فضای محصور و در زیر سقف انجام می‌شود. در پرستشگاه‌های جمالی - جلالی فضاها حول میانسرا و حیاط پرستشگاه به صورت هندسی و در نظم هماهنگی شکل گرفته است؛ سیر مسیر حرکتی نمازگزاران از ورودی به سمت محراب، از طریق فضای مسقف بعد از ورودی، رسیدن به فضای باز حیاط و در انتها، فضای گنبد خانه خواهد بود. نمازگزاران می‌توانند مراسم آیینی خود را هم در گنبدخانه و محل قرارگیری محراب و هم در فضای باز بیرون در زیر آسمان انجام دهند (تصویر ۶).

۵-۲. نقش چیدمان فضای درونی در پذیرش نمازگزار

یکی از معیارهای تقسیم‌بندی پرستشگاه‌های جمالی و جلالی، نقش فضای درونی در پذیرش نمازگزار است. در پرستشگاه‌های جمالی الگوی قرارگیری پرستشگاه و عناصر وابسته به گونه‌ای است که از قرارگیری فضاها در اطراف حیاط و فضای باز و به صورت آزاد و رها شکل گرفته است؛ سیر مسیر حرکتی بعد از ورودی رسیدن به فضای باز و سپس ورود به صحن اصلی پرستشگاه خواهد بود؛ در پرستشگاه‌های جلالی فضاها درونی دارای نظم منحصر به فردی هستند و از الگوهای هندسی منظمی طبیعت می‌کنند؛ سیر مسیر حرکتی از ورودی به صحن اصلی و فضای عبادت نمازگزاران در یک مسیر کاملاً



محراب و نمازخانه
محراب
فضای درونی



تصویر ۶ از سمت راست به چپ: پلان کنیسه‌ی موشه حیا، کنیسه‌ی ملا نیسان (بالا)، مسجد جامع عباسی و کلیسای وانک (پایین)، کنیسه‌ی موشه حیا و کنیسه‌ی ملانیسان از جهت چیدمان فضای درونی در پذیرش نمازگزار از الگوی جلالی، مسجد جامع عباسی جلالی - جمالی و کلیسای وانک جمالی پیروی می‌کند (مأخذ: نگارندگان).



۳-۵. استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین

«مهم‌ترین نقش زیبایی و تزئینات، هویت‌بخشی و تعالی فضای درخور انسان است» (اسکروتون ۱۳۸۱، ۷). نوع و نحوه‌ی تزئینات به کاررفته، گاه باعث ایجاد ارتباط صمیمی و عمیق با بنا و گاه باعث ایجاد حس ترس و هیبت می‌گردد (نقره‌کار ۱۳۸۷، ۵۸۶). استفاده از مصالح فاخر و پرتزئین در پرستشگاه‌ها در (جداره‌ی خارجی و داخلی بنا) مدنظر قرار می‌گیرد. در پرستشگاه‌های جمالی، آرایش و نوع مصالح به کار گرفته‌شده از تجمل و تنوع زیادی برخوردار است. ساخت مقرنس‌ها، استفاده از کاشی هفت‌رنگ و معقلی خصوصاً در ورودی و گنبدخانه به اوج خود می‌رسد. «حقیقت برای ظهور خود، از زیبایی ظاهری هم یاری می‌گیرد و همه بیانات عمده از مابعدالطبیعه، به جامه‌ی جمال آراسته‌شده‌اند» (نصر ۱۳۸۰، ۴۵۰). تنوع تزئینات در پرستشگاه‌های جلالی، به حداقل ممکن تقلیل یافته

است. «در این پرستشگاه‌ها بیم آن می‌رود که تزئینات، موجب اغوای مخاطب شده و او را از اصل و حقیقت دورنگه دارد و مفاهیم جلالی به بی‌صورتی و خلوص و رهایی از امور تزئینی می‌انجامد و سادگی و بی‌پیرایگی در نماسازی بدنه‌ها، به‌اندازه‌ای است که جدار بیرونی از حد یک پوشش و حفاظ برای فضای داخلی خارج نشود» (حمزه نژاد ۱۳۹۲، ۹۲)؛ پرستشگاه‌های جمالی - جلالی از هر دو الگو پیروی می‌کنند. به این گونه که استفاده از مصالح فاخر نه به‌اندازه پرستشگاه‌های جمالی است و نه مانند پرستشگاه‌های جلالی، استفاده از این مصالح به حداقل خود کاهش یافته است. این الگو از تزئینات برای دعوت‌کنندگی نمازگزار استفاده کرده و سعی در نشان دادن بی‌همتایی خداوند دارد؛ و زیبایی معبود را در کنار خلوص وی قرار می‌دهد (تصاویر ۷ و جدول ۸ و ۹).

جدول ۸. بررسی مصالح فاخر و تزئینات در جداره خارجی و داخلی پرستشگاه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

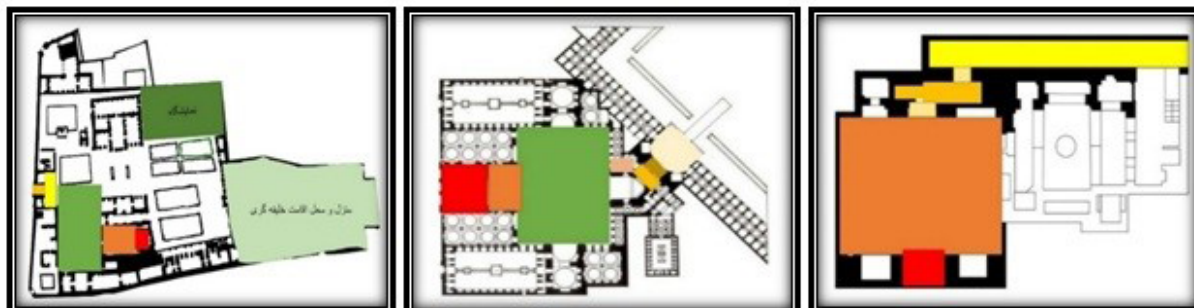
مصادیق	نوع تزئینات	معیارهای ظاهری	در خارج و داخل بنا	
مسجد	کاشی کاری معقلی، مقرنس و خطاطی	حداکثر تزئینات، بهره‌گیری از مصالح فاخر	خارج	پرستشگاه‌های جمال
کلیسا	نقاشی به صورت داستان‌پردازی	حداکثر تزئینات و مصالح فاخر، رنگ‌های متنوع	داخل	
کنیسا	فاقد هرگونه تزئینات	سادگی و خلوص، عاری از هرگونه ترکیب رنگ	خارج	پرستشگاه‌های جلال
کلیسا	استفاده از کاربردی فقط در محل (نگهداری تورات)	فاقد تزئینات، فاقد رنگ	داخل	
	آجرکاری ساده کاشی کاری به صورت محدود،	بهره‌گیری از مصالح ساده در تزئینات، بهره‌گیری از رنگ به صورت خیلی محدود	خارج	پرستشگاه‌های جمال-جلال
مسجد	استفاده از خطاطی و کاشی هفت‌رنگ	تزئینات و رنگ در حد میانه، عاری از تصویرگری	داخل	



دارای ویژگی‌های سادگی و خلوص می‌باشند. به همین علت پیچیدگی و تنوع در سلسله‌مراتب حرکتی تا رسیدن به محراب به حداقل میزان خود رسیده است و دسترسی آسان به صحن از خصوصیات تنزیهی این پرستشگاه‌ها می‌باشد. در این پرستشگاه‌ها سلسله‌مراتب فضایی شامل (درگاه، دالان، نیمه دالان، فضای نیایش، جایگاه نگهداری الواح) می‌باشد. همچنین فضایی مجزا به صورت نیمه‌طبقه برای استفاده‌ی زنان در قسمت فوقانی بنا ساخته شده است. در پرستشگاه‌های جمالی - جلالی از هر دو گونه دیگر استفاده شده است؛ به گونه‌ای که تنوع فضایی در بنا به چشم می‌خورد؛ ولی نه به گستردگی پرستشگاه‌های جمالی و خلوص و سادگی ناشی از پرستشگاه‌های جلالی نیز در آن وجود دارد. سلسله‌مراتب در این پرستشگاه‌ها به (درگاه، فضایی ایوان مانند، میانسرا، در ورودی صحن اصلی، گنبد خانه، محراب) تقسیم‌بندی می‌شود (تصویر ۷).

۵-۴. سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در شکل‌گیری فضای پرستشگاه

«اصل سلسله‌مراتب حاکی از این است که در اغلب و شاید هم در همه ترکیبات معماری تفاوت‌های واقعی بین فرم و فضا وجود دارد. این تفاوت‌ها تا حدی نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیت فرم‌ها و فضاها و نقش عملکردی، صوری و سمبلیکشان در سازمان‌دهی می‌باشد» (چینگ ۱۳۸۵، ۳۵۰). پرستشگاه‌های جمالی، از فضاها متنوعی تشکیل شده‌اند و این فضاها از نظام سلسله‌مراتب پیچیده‌ای پیروی می‌کنند. با عبور از این فضاها متنوع از بیرون به درون، فرآیند تجربه‌ی تغییرات فضایی تا رسیدن به هدف اصلی اتفاق می‌افتد. به کار گرفتن فضاهایی باشکوه، شوق رسیدن به معبود را افزایش داده و مخاطب را آماده رسیدن به معبود خود قرار می‌دهد. سلسله‌مراتب فضایی در این پرستشگاه‌ها بسیار متنوع بوده و شامل (جلوخان، درگاه، هشتی، دالان، میانسرا، ایوان، گنبد خانه، محراب) می‌باشد. وجوه جلالی



تصویر ۷. از سمت راست: پلان کنیسه‌ی موشه‌حیا، مسجد جامع عباسی و کلیسای وانک، کنیسه‌ی موشه‌حیا از جهت سلسله‌مراتب حرکتی بسیار محدود عمل می‌کند و جنبه‌ی جلالی دارد. مسجد عباسی دارای سلسله‌مراتب حرکتی بسیار متنوعی است و ویژگی‌های جمالی را مشخص می‌کند و در کلیسای وانک از هر دو حالت اقتباس شده است (ماخذ: نگارندگان)

پرستشگاه‌های با خصوصیات فرمی و کالبدی متفاوتی گردیده است که هرکدام از آنها، معیاری از این صفات قدسی را مدنظر قرار داده‌اند و بر اساس جداول ۹ و ۱۰ ارائه گردیده است.

۶. بحث اصلی

در این پژوهش انعکاس مفاهیم قدسی با تکیه بر چهار رکن، تشبیه و تنزیه، جمال و جلال در پرستشگاه‌ها (یهودیت، مسیحیت و اسلام) به‌عنوان یکی از بروز تفاوت‌های معنایی و کالبدی در آنها مورد بررسی قرار گرفته است و سعی در گونه‌شناسی پرستشگاه‌ها در ادیان مختلف با استفاده از این مضامین شده است. تفاوت‌های حاصله در این پرستشگاه‌ها، مفاهیم قدسی، منجر به شکل‌گیری





جدول ۹. تحلیل مصداقی پرستشگاه‌ها بر اساس معیارهای تنزیه و تشبیه (مأخذ: نگارندگان)

ویژگی‌ها و ویژگی‌ها	کنیسا	مسجد	کلیسا
نشانه نماد آیه	استفاده‌ی حداکثر از آیه، عاری از اشاره به صورت، حداقل استفاده از عناصر کالبدی، سادگی و غنا	استفاده‌ی حداکثر از نماد، اشاره صورت به مفهوم، زیبایی‌های بصری و ارتباط فرم‌های نمادین با باورهای اعتقادی	استفاده‌ی حداکثر از نشانه، اشاره صورت به صورت، استفاده از نور و تزئینات تصویرنگاری، مملو از زیبایی‌های معقول
طبیعت‌گرایی	بعضاً فاقد حیاط، ارتباط نور فقط از طریق یک منشور هشت‌وجهی	محدودیت در طبیعت، نهی نسبی سقف و درخت و نور در طرف قبله، استفاده از آب	استفاده از طبیعت سبز (درختان)
مقیاس و تناسبات (تشخص)	مقیاس انسانی (هم در ورودی و هم در گنبدخانه)، خلوص و سادگی، فقر و انزوا، حداقل تشخص، حداقل ارتفاع	مقیاس الهی (هم در ورودی و هم در گنبدخانه)، حداکثر ارتفاع، زیبایی، مهربانی	مقیاس الهی و انسانی، صمیمیت و دعوت‌کنندگی، ارتفاع در حد میانه نسبت به ارتفاع مسجد

جدول ۱۰. تحلیل مصداقی پرستشگاه‌ها بر اساس معیارهای جمال و جلال (مأخذ: نگارندگان)

نقش ورودی و فضای خارج در دعوت‌کنندگی نمازگزار	فاقد تزئینات، کاملاً هماهنگ با بافت اطراف و عاری از هرگونه تشخص، ورودی با راهرویی در ضلع شرق به محراب متصل می‌شود.	استفاده از مصالح فاخر و تزئینات، دارای تشخص، ورودی در ضلع شمالی و در یک محور فرضی مستقیم، به محراب متصل می‌شود.	فاقد تزئینات، سردری نسبتاً مشخص، هماهنگ با بافت، ورودی در ضلع غربی و در یک محور فرضیه شکسته که در راستای محراب نیست
نقش چیدمان فضای درون در پذیرش نمازگزار	جهت قبله به سمت غرب (اورشلیم)، دارای نظم، عبادت در فضای کاملاً محصور و بسته، انجام فرایض دینی در فضای مصنوع و سرپوشیده	جهت قبله به سمت جنوب غربی، فضاها حول حیاط پرستشگاه به صورت هندسی و در نظم هماهنگ، انجام فرایض دینی هم در فضای باز و هم سرپوشیده	جهت قبله به شرق، قرارگیری فضاها در اطراف حیاط و فضای باز، به صورت آزاد و رها، انجام فرایض دینی در فضای مصنوع و بسته زیر گنبدخانه



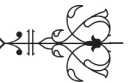
تزیینات به صورت تجسد و استفاده از تصاویر پیامبران و داستان‌های واقع در کتاب انجیل، فاخریت در درون، استفاده از موسیقی در هنگام نیایش	محدودیت تزیین و نقش و طلاکاری و تزیینات مجرد و انتزاعی و نقاشی، بهره‌گیری از رنگ‌های لاجوردی و زرد، عدم استفاده از ابزار موسیقی	محدودیت تزیین عدم فاخریت، عدم استفاده از ابزار موسیقی	در داخل	استفاده از مصالح فاخر و پر تزیین
بهره‌گیری از مصالح ساده در تزیینات، بهره‌گیری از رنگ به صورت محدود	حداکثر تزیینات، بهره‌گیری از رنگ‌های لاجوردی و آبی	حداقل تزیینات، سادگی و خلوص، عاری از رنگ‌آمیزی، فاخریت	در خارج	
تنوع فضایی و سلسله‌مراتب در بنا به صورت میانه، وجود عملکردهایی همچون موزه، عدم محدودیت برای حضور زنان، تعداد ورودی‌ها ۲ عدد، قرارگیری ورودی در معبر درجه ۲	فضاهای متنوع، وجود عملکردهای دیگری همچون مدرسه در مسجد، عدم وجود فضایی مختص برای حضور زنان، تعداد ورودی‌ها دو عدد، قرارگیری ورودی اصلی در راستای اصلی بازار	تعدد فضاها کم‌تر است. فضایی مجزا به صورت نیم طبقه برای عبادت زنان، تعداد ورودی‌ها یک عدد، قرارگیری ورودی در معبر درجه ۲ و به حالت خط فرضی L شکل نسبت به محراب		سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در شکل‌گیری پرستشگاه

نتیجه‌گیری

دل‌بستگی جلوه‌گر شده و توجه به حق را مقدم بر هر چیز می‌داند و از توجه به انسان و فضای مصنوع می‌کاهد. مقیاس و تناسبات، استفاده از مصالح فاخر و پرتزیین و تنوع فضایی در آن‌ها به حداقل ممکن رسیده است که کنیسی‌های موشه‌حیا به آن نزدیک است؛ در مساجد، ویژگی‌های هر دو پرستشگاه به چشم می‌خورد. این پرستشگاه‌ها حسی از شکوه و جلال را همراه با مهربانی و صمیمیت به مخاطب خودالقا می‌کنند. در بعضی موارد از جمله (بررسی تهرانگ، سلسله‌مراتب و تنوع فضایی) مساجد، جز گروه شباهت‌گرا و جمال‌خواه طبقه‌بندی شده‌اند؛ اما با این حال، باز هم کلیساها سطح بیشتری از شباهت‌خواهی و جمال‌طلبی را نشان می‌دهند. این تقابل و طیف می‌تواند ریشه در قرارگیری این دو دین در موضع اقلیت و تلاش آن‌ها برای نشان دادن حداکثر حساسیت‌های مبنایی‌شان باشد و به خوبی با این مبنای معنادار است. پس می‌توان گفت: کنیسا حداقل علاقه به شباهت‌نمایی و تجمل، کلیسا حداکثر چنین علاقه‌ای را دارد. مسجد نیز در جایگاهی میانه این

در این پژوهش، گونه‌شناسی و تقسیم‌بندی پرستشگاه‌ها از نظر میزان شباهت‌نمایی جلوه‌های قدسی با معیارهای ۱. دلالت‌گری از طریق نماد، نشانه و آیه، ۲. طبیعت‌گرایی، و ۳. مقیاس و تناسبات و از نظر میزان جمال‌طلبی با معیارهای ۱. نقش ورودی و فضای خارج در دعوت‌کنندگی نمازگزار، ۲. نقش چیدمان فضای درون در پذیرش نمازگزار ۳- استفاده از مصالح فاخر و پرتزیین، ۴. سلسله‌مراتب فضایی و تنوع فضاها در شکل‌گیری پرستشگاه انجام شده است. در الگوی پرستشگاه‌های شباهت‌گرا و جمال‌طلب که کلیسای وانک نمونه‌ای از آن است. تأثیر فضایی، دعوت‌کنندگی، دربرگیرندگی مخاطب و ایجاد دل‌بستگی در فضای پرستشگاه متجلی می‌گردد. همچنین ارتباط با طبیعت و استفاده از تزیینات و مصالح فاخر و تنوع فضایی در آن‌ها به اوج رسیده است. در مقابل در پرستشگاه‌های تشبیه‌زدا و جلال‌طلب، احساسی از ترس و هیبت معبود بیش از احساس





ادیان الهی نیز دارای سیر جلالی تا جمالی در طول تاریخ هستند؛ نمونه‌ی آن را می‌توان از نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله در مورد کنیسیای موشه‌حیا و کنیسیای ملانیسیان مورد مشاهده قرار داد؛ با توجه به آن که کنیسیای ملانیسیان نسبت به کنیسیای موشه‌حیا جمالی‌تر است؛ اما در مقایسه با کلیسای وانک و مسجد جامع عباسی از جمال کمتری برخوردار است.

طیف قرار می‌گیرد. بر این اساس این نگاه به پژوهش‌های آتی توصیه می‌کند؛ با همین مبانی به بررسی ویژگی‌های قدسی در پرستشگاه‌ها چه در مکان‌ها و ادیان دیگر و چه در زمان‌ها و در طی ادوار تاریخی مختلف بپردازند. همچنین می‌توان هر نوع از پرستشگاه را نیز با همین مبانی در طول تحولات تاریخی حاکم بر آن مشاهده و تحلیل نمود. در ادامه باید ذکر کرد که پرستشگاه‌ها در هر یک از

پی‌نوشت

۱. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از توجه و مطالعه دقیق و پیشنهادهای ارزنده جناب آقای دکتر بهمن ادیب زاده و جناب آقای مهندس رافائل صدیق‌پور در این پژوهش، تشکر نمایند. نظر بزرگواران انتخاب کنیسا ملانیسیان به‌جای کنیسیای موشه‌حیا جهت تطبیق پرستشگاه‌ها به دلیل رعایت هم‌وزنی نسبی معابد و حوزه‌ی نفوذ نسبی آن‌ها بوده و دلیل نویسندگان برای انتخاب کنیسیای موشه‌حیا قید زمانی دوره‌ی صفویه و هم‌زمانی در مقایسه بوده است. کارشناسان میراث فرهنگی اصفهان این کنیسا را با قدمت صفویه می‌دانند که تنها محراب آن یادگار صفوی آن است که باقی‌مانده و تمامی فضاهای دیگر آن که به نظر می‌رسد زیبایی و تجملات کمتری نسبت به محراب داشته را مربوط به دوره‌ی قاجار می‌دانند. از آنجاکه مبنای این پژوهش، بُعد زمانی و جامع بودن پرستشگاه برای پیروان ادیان آن در یک‌زمان می‌باشد؛ ملاک انتخاب نمونه‌ها را بر همین اساس قرار داده و مهم‌ترین معبد هر دین در دوره‌ی صفویه مورد توجه قرار گرفت. یهودیان عصر صفوی اگر می‌خواستند؛ می‌توانستند سطح تجمل و تزئین معابد خود را در رقابت با معابد دیگر بالا ببرند ولی از این کار پرهیز کرده و ساده‌دوستی ذاتی دین خود را دنبال کردند. با این وجود در مواردی که ممکن است به شاخصه‌ها خدش‌های وارد شود و کنیسیای ملانیسیان مثال نقض تئوری تلقی شود به کنیسیای ملانیسیان با قدمت ۱۰۰ سال نیز توجه شده است؛ چراکه نسبت به بقیه‌ی کنیساهای ساخته‌شده در گذشته از جامعیت بیشتری برخوردار است.
۲. استدلال منطقی روشی است که شامل دو فرآیند مشاهده و تعمیم می‌باشد و به نتایجی احتمالی که همیشه قطعی و حتمی نیست می‌انجامد. «این روش به دنبال کاربردپذیری جهانی است و بر قانونمند ساختن مورد خاصی تأکید ندارد» (گروت و وانگ ۱۳۸۸، ۲۸۳).
۳. پژوهش موردی یا مصداق پژوهشی «جست‌وجویی تجربی است که یک پدیده یا مکانی معین را مورد پژوهش قرار می‌دهد. این راهبرد یک مورد خاص را با تمام عوامل پیچیده در تعامل با آن مطالعه می‌کند» (گروت و وانگ ۱۳۸۸، ۳۴۶).
۴. لنگ (۱۳۸۶) در تعریف نظریه‌ی هنجاری می‌گوید: «نظریه ایست مبتنی بر ادراک شخصی فرد از موضوعی خاص که موضع‌گیری‌های ادعا شده نظریه‌پرداز است و این موضع‌گیری‌ها، قابل توصیف و تبیین علمی‌اند».
۵. در تهیه‌ی جداول شماره ۱ تا ۴، از کتاب‌ها و مقالات و منابع مستندی استفاده شده است و سپس توسط نگارندگان تحلیل و به صورت خلاصه، در قالب جدول ارائه گردیده است.
۶. نصر معماری قدسی را به این صورت بیان می‌دارد که: «معماری قدسی به مدد فنون مختلف، هدف اصلی خود را در قرار دادن انسان در محضر پروردگار از طریق تقدس بخشیدن به فضاهایی که می‌سازد و به آن نظم می‌دهد، تحقق می‌بخشد. معماری قدسی خلق بستری است که در آن وحدانیت اساس به وجود آمده همه‌چیز است».
۷. اساسا در سوره الرحمن دو گانه‌های متعددی معرفی گردیده‌اند که به نظر می‌رسد ریشه همه آن‌ها دو گانه جمال و جلال باشد. به‌طور مثال در آن مطرح شده که برای هر کس که از خدا بترسد دو باغ است که درون آن نیز دو باغ است. در آن سوره ویژگی‌های شکلی این دو باغ نیز تشریح گردیده که به‌خوبی می‌توانند باغ‌های جمال و جلال تلقی گردند. برای بررسی تفصیلی رجوع شود به مقاله منظر اشرافی از مهدی حمزه نژاد. مجموعه مقالات همایش معماری سبز ۱۳۸۸ اصفهان.

Gunon ۸

منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۴. ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: احیای کتاب.
۲. اسکروتن، راجرز. ۱۳۸۱. معماری در عصر نیست‌انگاری. ترجمه‌ی رسول مجتبی‌پور. معمار ۵ (۱۷): ۴-۱۷.





۳. الیاده، میرچا. ۱۳۹۳. *نمادپردازی، امر قدسی و هنرها*. ترجمه‌ی مانی صالحی علامه. تهران: انتشارات نیلوفر.
۴. اینانلو، شبنم. ۱۳۸۰. *طبیعت در معماری مسجد*. در مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مسجد-افق آینده، جلد اول، ۴۱-۴۸. تهران: دانشگاه هنر.
۵. بمانیان، محمدرضا، هانیه اخوت، و پرهام بقایی. ۱۳۸۹. *کاربرد هندسه و تناسبات در معماری*. تهران: هله، طحان.
۶. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۸۶. *مبانی هنر اسلامی*. ترجمه و تصحیح امیر منصوری. مجله‌ی مباحثی در هنر دینی. تهران: چاپخانه سکه.
۷. بورکهارت، تیتوس. ۱۳۹۰. *مبانی هنر مسیحی*. ترجمه‌ی امیر نصری. تهران: نشر حکمت.
۸. توفیقی، حسین. ۱۳۸۳. *مقدمه‌ای بر مقایسه‌ی ادیان توحیدی*. *هفت‌آسمان* (۲۲): ۶۵-۱۱۲.
۹. جرجانی، سید شریف. ۱۳۷۷. *معج التعريفات*. قاهره: دارالفضیله.
۱۰. چینگ، فرانسیس. ۱۳۸۹. *معماری: فرم، فضا، نظم*. ترجمه‌ی زهره قراگزلو. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حمزه‌نژاد، مهدی. ۱۳۹۰. *رساله‌ی دکتری با عنوان اصول مفهومی و کاربردی در طراحی بناهای مذهبی در نگرش شیعه*. به راهنمایی عبدالحمید نقره‌کار، غلامحسین معماریان. دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۲. حمزه‌نژاد، مهدی، عبدالحمید نقره‌کار، و صبا خراسانی‌مقدم. ۱۳۹۲. *گونه‌شناسی مفهومی ورودی مساجد در ایران با استفاده از مفاهیم قدسی*. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱ (۱): ۷۷-۱۰۲.
۱۳. حمزه‌نژاد، مهدی. ۱۳۹۵. *مبانی اسمایی در تحول خصلت‌ها در سیر تحول کلیساها*. مجله‌ی *فیروزه اسلام*.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۸. *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۷. *ذاتی و عرضی دین*. *کیان* ۱ (۴۲): ۴-۱۹.
۱۶. شایسته، محمدرضا، و منصور قاسمی. ۱۳۸۳. *اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی*. اصفهان: نقش خورشید.
۱۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. ۱۳۸۱. *الملل و النحل*. بیروت: دار و المکتبه الهلال.
۱۸. صاحب محمدیان، منصور. ۱۳۸۶. *سلسله‌مراتب محرمیت در مسجد ایرانی*. *هنرهای زیبا* (۲۹): ۵۸-۶۹.
۱۹. صدیق‌پور، رافائل. ۱۳۸۲. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان کنیسا: عبادتگاه کلیمیان: جستجوی وحدت در کثرت*. به راهنمایی هادی ندیمی و بهمن ادیب‌زاده. دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۳. *تفسیر المیزان*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا و مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۱. عرب، غلامحسین. ۱۳۷۷. *کلیسای ایرانی*. اصفهان: رسانه‌ی کاج اصفهان.
۲۲. فتحی‌آذر، سحر، و مهدی حمزه‌نژاد. ۱۳۹۳. *بررسی تطبیقی معنای محور در مسجد و کلیسا*. *شهر ایرانی اسلامی* (۱۷): ۵۳-۶۲.
۲۳. لاهیجی، عبدالکریم. ۱۳۸۰. *شرح گلشن راز*. تهران: محمودی.
۲۴. مددپور، محمد. ۱۳۸۴. *کلیسای مسیح در ادوار تاریخی*. تهران: نشر پرش.
۲۵. ملاصالحی، حکمت‌الله. ۱۳۷۷. *صور جلالی در معماری اسلامی ایران*. فرهنگ و هنر ۱ (۳۹): ۴-۳۱.
۲۶. نصر، سید حسین. ۱۳۸۰. *معرفت و معنویت*. ترجمه‌ی انشالله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۷. نصر، سید حسین. ۱۳۸۴. *جوان مسلمان و دنیای متجدد*. ترجمه‌ی مرتضی اسعدی. تهران: انتشارات طرح نو.
۲۸. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی، شرکت طرح و نشر پیام سیما.

References

1. *Holy Quran*. 2005. Mahdi Elahi Ghomeyshee. Tehran: Ehia-ye Ketab.
2. Arab, Gholam Hossein. 1998. *Persian Church*. Isfahan: Resane-ye-Kaj.
3. Bemanian, Mohamad Reza, Hanie Okhovvat, Parham Baghaie. 2010. *Application of Geometric Proportions in Architecture*. Tehran: Helleh, Tahan.
4. Burckhardt, Titus. 2007. *Foundations of Islamic Art*. Translated by Amir Mansouri. Magazine of Issues in Religious Art. Tehran: Sekkeh.
5. Burckhardt, Titus. 2011. *Foundations of Christian Art*. Translated by Amir Nasri. Tehran: Hekmat.
6. Ching, Francis D K. 2010. *Architecture: Form, Space, and Order*. Translated by Zohre Gharagozlou. Tehran: Tehran University Press.
7. Dehkhoda, AliAkbar. 1999. *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Press.
8. Eenanlou, Shabnam. 2001. *Nature in Architecture of Mosque*. In *Proceeding of the 2nd International Conference on Architecture of Mosques, Vol 1*, 41-18. Tehran: Tehran University of Art.





9. Elyade, Mircea. 1969. *Symbolism, the Sacred and Arts*. Translated by Mani Salehi Allame. Tehran: Niloufar Publication.
10. Fathi Azar, Sahar, and Mehdi HamzeNezhad. 2014. A Comparative Study of the Concept of Axis in Mosques and Churches. *Iranian-Islamic City (17)*: 53-62.
11. Gunon, Rene. 2001. *Symbols Old Scared Science*. Sophia Perenis Hillsdele NY.
12. Hamzenejad, Mehdi. 2011. *Conceptual and Applied Principles in Designing Religious Buildings based on Shia Faith PhD Thesis*. Supervised by Abdolhamid Noghrekar, Gholam Hossein Memarian. Iran University of Science and Technology.
13. Hamzenejad, Mehdi, Abdolhamid Noghrekar, and Saba Khorasani Moghaddam. 2013. Conceptual Typology of Mosque Entrances in Iran based on Sacred Concepts. *Studies in Islamic Architecture (1)*: 77-102.
14. Hamzenejad, Mehdi. 2016. The Principle of Religious Naming during the Historical Changes in Churches. *Firooze Islam Magazine*.
15. Jorjani, Seyed Sharif. 1998. *Dictionary of Definitions*. Cairo: Dar al-Fazile.
16. Lahiji, Abd al-Karim. 2001. *Elaboration of Golshan-e-Raaz (Shabestari's Garden of Mysteries)*. Tehran: Mahmoudi.
17. Madadpour, Mohammad. 2005. *Christian Churches in the Course of Historical Eras*. Tehran: Nashr-e-Porsesh.
18. Mollasalehi, Hekmat Allah. 1998. Majestic Forms in Islamic Architecture of Iran. *Culture and Art 8 (29)*: 4-31.
19. Nasr, Seyed Hossein. 2001. *Knowledge and the Sacred*. Translated by InshaAllah Rahmati. Tehran: Sohrevardi Research Office and Publication.
20. Nasr, Seyed Hossein. 2005. *A Young Muslim's Guide to the Modern World*. Translated by Morteza Asadi. Tehran: Tarh-e-No.
21. Noghrekar, Abdolhamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urbanism, Urbanism Department, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation.
22. Saheb Mohammadian, Mansour. 2007. Hierarchy of Privacy in Persian Mosques. *Fine Arts (29)*: 58-69.
23. Scruton, Rojer. 2002. Architectural Principles in an Age of Nihilism. Translated by Rasool Mojtabpoor. *Memar 5 (17)*: 4-19.
24. Seddighpour, Rafael. 2003. *Synagogue: Jews' Place of Worship: In Search for Unity in Diversity Master of Sciences Thesis*. Supervised by Hadi Nadimi and Bahman Adibzade. Shahid Beheshti University.
25. Shahrestani, Mohamad ibn-e Abd al-Karim. 2002. *al-Milal va al-Nihal (The Book of Sects and Creeds)*. Beirut: Dar al-Maktabe al-Halal.
26. Shayeste, Mahmoodreza, and Mansour Ghasemi. 2004. *Isfahan: A Little but Earthl, Paradise*. Isfahan: Naghsh-e-Khorsheed.
27. Soroush, Abd al-Karim. 1998. Essence and Accident in Religion. *Kian 8 (42)*: 4-19.
28. Tabatabaie, Seyed Muhammad Hossein. 1984. *Tafsir-e al-Mizan*. Tehran: Raja Cultural Publishing Center and Amir Kabir Publishing Institute.
29. Tofighi, Hossein. 2004. An Introduction to Comparative Religious Studies. *Haft Aseman (Seven Heavens) (22)*: 65-112.





Conceptual Typology of Synagogues, Churches and Mosques during Safavid Era based on Sacred Attributes of Incomparability, Similarity, Beauty and Glory

Mehdi Hamzenejad *

Assistant Professor Professor, School of Architecture and Urbanism, Iran University of Science & Technology

Sanaz Rahravi Poodeh **

Department of Architecture, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University

Received:01/05/2016

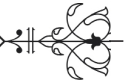
Accepted: 28/08/2016

Abstract

Places of worship, as symbolic spaces, have played a key role in all religions. In this respect, they differ from other buildings with different functions. However, the presence of places of worship belonging to different religions in the same city or town has been based on identity differentiations. Given the rapidly growing virtual communications in today's world, it has become even more important to pay serious attention to identity differentiations concerning places of worship. The present study aimed to make a typology of Synagogues, Churches and Mosques in Isfahan- Persian capital during Safavid era. The implication of a comparative comparison among the mentioned places of worship, in terms of symbolic and spiritual concepts, can help contemporary architects and designers to build such buildings. Therefore, the symbolic differentiations, especially those concerning mosques, can be taken into consideration to design and build mosques. The main questions of this study include: what are the identity differentiations among the synagogues, churches and mosques? And, to what extent such differentiations are rooted in spiritual foundations of each religion? The hypothesis of this study is that different readings of Sacred Attributes are reflected in different physical characteristics of different places of worship. Here, considering four sacred concepts, that is, attributes of similarity, attributes of incomparability, attributes of beauty and attributes of glory, the built places of worship in Isfahan were studied under three distinct types: similarity-beauty; incomparability-glory and similarity-beauty/ incomparability-glory. Then, keeping the mentioned sacred concepts in mind, the physical characteristics of the built places of worship were examined. Data were gathered based on library sources and attributional studies and then were analyzed comparatively. The criteria applied were examined through a comparative approach among the worship places. Similarly, the results were obtained based on an analytic reasoning. Also, the normative architectural hypothesis of the worship places aimed to prove its validity based on logical reasoning in order to reach a kind of semiotic typology for the Abrahamic worship places. In this respect, the worship places should be chosen synchronically. The most justifiable historical era for the present study seemed to be Safavid era in which minor religions had the privilege of relative freedom. With this aim in view, the most typical cases of each religious worship place were identified. For example, Mushe Haya Synagogue built in Safavid era is a noteworthy case. Major parts of the synagogue have been damaged and only the room of inscriptions, dating back to Safavid era, has survived. The damaged parts were restored in Qajar era.

* hamzenejad@iust.ac.ir

** s_rahravi@yahoo.com



Another synagogue which could provide the researchers with characteristics challenging the proposed hypothesis was Mulah Neisan synagogue. It dates back to about 100 years ago. The Shah Mosque also known as Imam Mosque or Jaame Abbasi Mosque was another case intended for the study. Situated at the southern side of Naqsh-e-Jahan Square, was built between the years 1598 and 1629 under Shah Abbas. Construction of the mosque started in the 24th year of coronation and decorations and additions were completed during the Shah successors. By constructing the mosque, Shah Abbas intended to pay tribute to his grandfather. Vank Cathedral was constructed under Shah Abbas II in Julfa neighborhood, Isfahan. The Cathedral has functioned as a place to hold religious ceremonies, to instruct the priests and to communicate with other Armenians worldwide. The results indicated that churches were among the Similarity-beauty-based type which convey a strong sense of symbolism, intimacy and invitation. Also, in churches natural representations are highly respected, large-scale proportions are applied, high-quality materials are used and spatial variety and movement hierarchy are taken into consideration. A prime example of this is Vank Cathedral. Synagogues, in contrast, enjoy the incomparability-glory attribute. They convey the minimum sense of symbolism and natural representations are reflected only very softly. Proportions are realistic and no costly materials have been used. Spatial variety is also at minimum. Moshe Haya synagogue is a good example. Mosques, in terms of characteristics mentioned stand in-between and are, in fact, similarity-beauty/ incomparability-glory in character. Abbasi Gathering Mosque (masjid-e-Jame Abbasi) is the best example for this. In conclusion, it may be said that synagogues have the lowest inclination to luxury. In contrast, churches have the highest inclination to luxury. Also, worship places in Abrahamic religions have passed through a incomparability-to-beauty process. The best example of this can be seen in Mushe Haya and Mulah Neisan synagogues. Although the latter is more luxurious than the former, they are both less luxurious than Vank Cathedral and Jaame Abbasi Mosque.

Keywords: Synagogue, Church, Mosque, Similarity, Incomparability, Beauty and Glory.

